

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی

در میان مادران کودکان کم توان ذهنی

دکتر محمدتقی شیخی*

دکتر افسانه کمالی**

ثریا جهان آرای***

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۲/۹

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۷

چکیده

امنیت به عنوان ضروری ترین نیاز و اساسی ترین بستر دوام و بقا جوامع بشری تلقی شده است. در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را تهدید نمی کند می توان گفت فرد دارای احساس امنیت اجتماعی می باشد. هدف این پژوهش بررسی رابطه سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل با احساس امنیت اجتماعی در میان مادران کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر مدارس استثنایی شهرستان اسلامشهر در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می باشد تا بدین وسیله راهکارهایی جهت کاهش مشکلات آنان ارائه شود.

در این پژوهش سرمایه اجتماعی را با استفاده از تئوری پاتنام در سه بُعد شبکه روابط اجتماعی، اعتماد و همیاری و متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی را با استفاده از تئوری چلبی در چهار بُعد امنیت مالی، جانی، گروهی و فکری سنجیده ایم. این پژوهش با روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، مادران کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر مدارس استثنایی شهرستان اسلامشهر در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می باشند. با توجه به این که تعداد جامعه آماری کم بود از روش تمام شماری برای نمونه گیری استفاده کرده ایم که در نهایت با ۲۱۸ نفر مادر واجد شرایط مصاحبه نمودیم.

یافته های تحقیق نشان می دهد که سطح سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در جامعه مورد بررسی پایین است. همچنین بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همین طور نتایج رگرسیون نشان می دهد که ۲۸ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی توسط متغیرهای مستقل تبیین گردیده است. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان می دهد که متغیر اعتماد بنیادی و متغیرهای زمینه ای مدت زمان ازدواج، تعداد فرزندان و مقطع تحصیلی با احساس امنیت اجتماعی رابطه دارند.

طرح مسأله:

امنیت^۱ به عنوان ضروری ترین نیاز و اساسی ترین بستر دوام و بقا جوامع بشری تلقی شده است. همان گونه که مازلو^۲ اشاره می کند نیاز به امنیت در رتبه دوم نیازهای ضروری قرار دارد (مازلو، ۱۳۶۹: ۲۳۳). بنابراین اگر این

*. استاد جامعه شناسی دانشگاه الزهرا.

** . استادیار جامعه شناسی دانشگاه الزهرا.

*** . کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه الزهرا.

نیاز در سطوح گوناگون بنا به عللی پاسخ مثبت دریافت نکند، فرد دچار تنش و اضطراب^۳ می‌شود. احساس امنیت^۴ به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود (کلاهیچیان، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

انسان‌هایی که از لحاظ فردی و اجتماعی احساس امنیت می‌کنند با آرامش خاطر اهداف خود را دنبال کرده و امکان موفقیت آنها افزایش می‌یابد (چلبی، ۱۳۸۳: ۲۰).

از جمله عواملی که بر احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه تأثیر می‌گذارند می‌توان به سرمایه اجتماعی^۵ اشاره کرد. سرمایه اجتماعی چیزی است که در روابط یا شبکه‌های خود با دیگر افراد داریم (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۲۹).

به اعتقاد چلبی، هر قدر در سطوح گوناگون، شبکه روابط اجتماعی جامعه افزایش یابد به همان میزان نیز احساس عجز در مقابل مشکلات و بحرانها کاهش می‌یابد و این خود سبب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۳: ۱۱). از طرفی جامعه نیز خود مشکل از خانواده‌هاست. خانواده یک نظام اجتماعی است که اختلال در هر یک از اجزاء و اعضای آن کل نظام را مختل می‌کند و این نظام مختل شده به نوبه خود اختلالات مربوط به اعضاء را تشدید و مشکلات جدیدی را ایجاد می‌کند (شریعتی و داورمنش، ۱۳۷۶: ۱۱۷). با این نگرش، معلولیت یکی از فرزندان بر تمام خانواده و کارکردهای گوناگون آن بر یکایک اعضاء تأثیر غالباً منفی باقی می‌گذارد. اولین شخصی که به طور مستقیم با کودک معلول ارتباط برقرار می‌کند، مادر است. مادر وقتی با فرزند معلول خود روبرو می‌شود به علت نگهداری دائمی و نیاز به فراهم نمودن شرایط ویژه زندگی این کودک، فشار جسمی، روحی و اجتماعی زیادی را تحمل می‌کند. این مادران علاوه بر سختی نگهداری از این کودکان بار سنگین نگاه‌های ترحم انگیز دیگران را نیز به دوش می‌کشند (نریمانی، ۱۳۸۶: ۱۵).

میزان شیوع معلولیت در جهان بین ۰/۲ تا ۲۱ درصد متغیر است. در کشور ما برآورد میزان معلولیت بدون احتساب معلولیت خفیف ۴/۲ درصد تا ۵ درصد است و میزان معلولیت با احتساب معلولیت خفیف بین ۷ تا ۱۰ درصد است (داورمنش، براتی سده، ۱۳۸۵: ۱۲).

بواسطه برخی عوامل ژنتیکی و محیطی درصدی از نوزادان زمانی که پا به عرصه وجود می‌نهند، با درجاتی از عقب ماندگی ذهنی^۶ روبرو هستند و یا اینکه در دوران رشد اولیه خود به این عارضه دچار می‌شوند (معمدین، ۱۳۸۳: ۱۱).

کم توانی ذهنی از شیوع نسبتاً بالایی در جهان برخوردار است. آنچه از برآوردهای سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی ارائه شده است، نشان دهنده ابتلاء حدود ۳ درصد از مردم جهان به این عارضه است. بر طبق آمار سازمان بهزیستی در سال ۱۳۸۵ حدود ۲/۳ درصد از کل جمعیت ایران به نوعی دچار معلولیت ذهنی هستند. حال با توجه به آمارهای موجود می‌توان اذعان کرد که بیش از ۱/۵ میلیون کودک کم توان ذهنی با بهره هوشی کمتر از ۷۰ در کشور ما وجود دارد (نریمانی، ۱۳۸۶: ۱۰).

1. Security

2. Maslow

3. Anxiety

4. Security feeling

5. Social capital

6. Mental retarded

در سال ۱۹۷۳ انجمن آمریکایی نقص ذهنی^۷، عقب ماندگی را به شرح زیر تعریف کرد: «عقب ماندگی ذهنی ناظر است بر عملکرد عمومی هوش که به طور معنی دار پایین تر از حد متوسط است که به طور همزمان، همراه با نواقصی در رفتار سازشی است و طی دوران رشد و تحول ظاهر شده است» (انجمن آمریکایی عقب ماندگی ذهنی، ۱۹۹۶: ۳۸).

امروزه خانواده‌های بسیاری از داشتن فرزند کم توان ذهنی به سبب مسائلی مانند: هزینه‌های اقتصادی سنگین، اجبار در پذیرفتن، محدودیت‌ها در روابط اجتماعی، تحمل و دلسوزی، ترحم دیگران، بروز ناسازگاری‌های رفتاری در سایر فرزندان، دشواری در تصمیم‌گیری برای بچه دار شدن مجدد و فشارهایی که بر خانواده وارد می‌شود، رنج می‌برند (کیمیایی، سیدعلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴).

تمام پژوهش‌هایی که تا کنون در مورد مادران کودکان کم توان ذهنی انجام گرفته است همگی در حوزه روانشناسی بوده و تاکنون هیچ پژوهشی از دیدگاه اجتماعی به این موضوع نپرداخته است. بنابراین ضرورت دارد با هدف شناخت و کاهش مشکلات این زنان، از دیدگاه اجتماعی نیز این موضوع بررسی و مطالعه شود. حال مسأله اصلی این است که آیا با کاهش یا افزایش سرمایه اجتماعی مادران کودکان کم توان ذهنی، تغییری در میزان احساس امنیت اجتماعی آنان دیده خواهد شد یا خیر؟ که در این پژوهش به بررسی آن خواهیم پرداخت.

مبانی نظری و تجربی پژوهش

سرمایه اجتماعی منبع بالقوه‌ای است که حاصل جمع شبکه روابط اجتماعی بین افراد و میزان اعتماد اجتماعی^۸ افراد به یکدیگر می‌باشد که باعث دسترسی آسان افراد به اهداف خود می‌گردد (مبارکی، ۱۳۸۳: ۷۱).

رهیافت‌های نظری در این حوزه عموماً بر بازدهی سرمایه در قالب سرمایه اجتماعی به عنوان یک فرآیند سرمایه‌گذاری اذعان دارند. سرمایه‌گذاری گاهی اوقات دارای فرد به شمار می‌آید. در آن صورت به شبکه‌های اجتماعی گسترده و منافع قابل دسترس برای فرد تأکید می‌گردد و در مواردی دیگر به کیفیت این روابط در قالب هنجارهای اعتماد و همیاری^۹ پرداخته می‌شود و سرمایه اجتماعی دارای جمع قلمداد می‌شود (توسلی، موسوی، ۱۳۸۴: ۱).

در این پژوهش برای تبیین مسأله رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی، تئوری‌های سرمایه اجتماعی پاتنام^{۱۰}، رویکرد شبکه‌ای ولمن^{۱۱} و احساس امنیت اجتماعی چلبی مبنای کار قرار گرفته است. پاتنام اظهار می‌دارد که «سرمایه اجتماعی به خصوصیتی از سازمان اجتماعی مانند: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل

7. American Association on mental Retardation

8. Social trust

9. Reciprocity

10. Putnam

11. Wellman

می‌نماید» (پاتنام، ۱۹۹۹: ۶). پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار فراوان خود با سه مؤلفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که عبارتند از: الف - شبکه‌ها ب - هنجارهای همیاری ج - اعتماد.

الف) شبکه‌ها^{۱۲}: پاتنام مانند دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی^{۱۳} و تعاملات افراد با یکدیگر را بنیادی ترین جزء سرمایه اجتماعی و در واقع ایده مرکزی تئوری‌های سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند (پاتنام، گاس، ۲۰۰۲: ۶). شبکه هر فرد مبتنی بر پیوندها و روابط وی با دیگران شکل می‌گیرد. اعضای شبکه فرد، مهمترین منابع کمکی هستند که فرد در صورت نیاز می‌تواند به آنها مراجعه کند. امکان دریافت حمایت‌های اجتماعی از سوی شبکه سبب می‌گردد تا افراد در صورت برخورد با مشکلات مالی، روحی، عاطفی و... از توانمندی بیشتر برای مبارزه با آن برخوردار باشند. شبکه‌های شخصی^{۱۴}، عمدتاً افراد را در بحرانهای زندگی حمایت می‌کنند.

ولمن از منظر رویکرد تحلیل شبکه به بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی بر روی روابط اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی پرداخته است (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۱۰). ولمن در بحث از انواع حمایتها شش نوع حمایت را مشخص می‌کند که عبارتند از: حمایت مالی^{۱۵}، حمایت اطلاعاتی^{۱۶}، حمایت خدماتی و کاری^{۱۷}، حمایت مصاحبتی^{۱۸}، حمایت عاطفی و حمایت مشورتی^{۱۹} (ولمن، ۱۹۹۲: ۲۱۰).

از دیدگاه نظریه شبکه، افرادی که در شبکه روابط گسترده تری قرار دارند سرمایه اجتماعی بیشتری دارند. شبکه روابط دسترسی آنها را به منابع گوناگون امکان‌پذیر می‌سازد و به آنها در یافتن شغل، حمایت‌های اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و سلامت جسمانی و روانی کمک می‌کند (بکر^{۲۰}، ۲۰۰۳).

ب) هنجارهای همیاری: پاتنام هنجار همیاری را یکی از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند و معتقد است جوامعی که در آنها از این هنجار پیروی می‌شود به گونه‌ای مؤثرتر می‌توانند بر فرصت طلبی فائق آمده و مشکلات جمعی را حل نمایند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۹۸).

هر فردی که در نظام همیاری شرکت می‌کند معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را داراست: اول نوع دوستی کوتاه مدت و دوم حفظ منافع خود در بلند مدت (من اکنون به شما کمک می‌کنم به این انتظار که شما فردا به من کمک خواهید کرد). پاتنام همیاری را بر دو نوع می‌داند که گاهی «متوازن»^{۲۱} یا ویژه و گاهی اوقات «تعمیم یافته»^{۲۲} یا شایع نامیده می‌شوند. همیاری متوازن به مبادله همزمان چیزهای با ارزش برابر اشاره دارد مانند: موقعی که همکاران روزهای تعطیل شان را با هم عوض می‌کنند، اما همیاری عمومی و تعمیم یافته به رابطه تبادلی مداومی اشاره دارد که

12. Networks

13. Social Relations

14. Personal Networks

15. Financial aid

16. Informational aid

17. Services aid

18. Companionship aid

19. Advice aid

20. Bekker

21. Balanced Reciprocity

22. Generalized Reciprocity

در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است اما انتظارات متقابل مبنی بر اینکه سودی که اکنون اعطا شده باید در آینده بازپرداخت گردد را ایجاد می‌کند. برای مثال دوستی اغلب به همیاری عمومی تبدیل می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۹۸).

ج) اعتماد: اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری است که حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران بوده و در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران بدست می‌آید، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر، یک اعتماد غیرشخصی‌تر با شبکه غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲).

پاتنام از دو نوع اعتماد نام می‌برد که نوع اول اعتماد شخصی^{۲۳} است یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک یا یک فرد بستگی دارد. این اعتماد در روابط چهره به چهره معنا پیدا می‌کند و بسیاری از موانع ارتباطی را برطرف می‌سازد و تعاملات میان دوستان، خویشاوندان، همسایگان، همکاران و... را در بر می‌گیرد. اعتماد شخصی در روابط اجتماعی توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود.

نوع دوم اعتماد که اعتماد تعمیم یافته^{۲۴} است در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر ضروری است که شعاع اعتماد را از نزدیکان و اطرافیان فراتر برده و موجب تعاملات گسترده‌تر در سطح جامعه می‌شود. موضوع این اعتماد مشاغل، حرفه‌ها و نیز موقعیت‌های اجتماعی می‌باشد که افراد بیشتر با آنها سروکار دارند مانند: شهرداری، کلانتری، مدارس، مراکز درمانی و... (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳).

هر اندازه اعتماد فرد به گروه‌های پیرامون و جامعه بزرگ‌تر، بیشتر باشد در مواقع بحرانی زندگی احساس امنیت بیشتری خواهد داشت چرا که امید دارد اعضای شبکه و دیگران به کمک او خواهند شتافت و او را تنها نخواهند گذاشت.

در این پژوهش برای تبیین متغیر وابسته از نظریه احساس امنیت اجتماعی مسعود چلبی استفاده شده است. چلبی معتقد است چهارعلقه افضل و عام برای انسان وجود دارد - که می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد - که عبارتند از: علقه شناختی، علقه مادی، علقه اجتماعی و علقه امنیتی (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۳). علقه امنیتی مربوط به بُعد G است. در این بُعد انسان به عنوان موجودی هدفمند بالقوه مضطرب (انسان با چهره سیاسی) در جهت حفظ آرامش و صیانت خود در ارتباط با محیط‌های اثباتی و اجتماعی و در صدد رسیدن به اهداف خود می‌باشد (چلبی، ۱۳۸۱: ۸۵).

برای علقه امنیتی چلبی چهار بُعد اساسی قائل شد که عبارتند از: ۱- امنیت مالی ۲- امنیت جانی ۳- امنیت گروهی ۴- امنیت فکری (چلبی، ۱۳۸۳: ۳۲).

احساس امنیت مالی به احساس ثابت فرد برای داشتن توانایی مالی و شغل مطمئن و درآمد زا اشاره دارد که قابلیت برآورده کردن نیازهای او را داشته باشد. منظور از احساس امنیت جانی، احساس فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی اش در مقابله با تهدیدات بیرونی - اعم از اجتماعی، محیطی و بهداشتی - که وجود و کیفیت سلامتی اش را به خطر می‌اندازند می‌باشد. احساس امنیت گروهی هم به احساس فرد برای شرکت آزادانه در

²³. Personal trust

²⁴. Generalized Trust

گروه‌ها، انجمن‌ها و احزاب گوناگون و نیز حفظ این گروه‌ها اشاره دارد، به گونه‌ای که از سوی دولت یا دیگر گروه‌های اجتماعی مورد تهدید، تبعیض و تعرض قرار نگیرد. احساس امنیت فکری اشاره به این احساس دارد که فرد بتواند آزادانه و بدون تهدید از سوی هیچ کنشگر دیگری - اعم از دولتی و غیردولتی - افکار و نظرات خویش را - بدون اینکه مورد توبیخ و تنبیه قرار گیرد - بیان کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۴).

از نظر پاتنام افزایش سرمایه اجتماعی سبب افزایش اعتماد اجتماعی افراد می‌گردد. از نظر چلبی نیز با افزایش اعتماد اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد، بنابراین درجه اعتمادورزی فرد به دیگران مشخصه مناسبی برای تعیین درجه احساس امنیت وی تلقی می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۷).

کاهش یا تضعیف روابط و سرمایه اجتماعی زمینه مساعدی برای نبود احساس امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد. با توسعه سطح روابط و سرمایه اجتماعی می‌توان احساس امنیت اجتماعی را افزایش داد. هنگامی که افراد محیط پیرامون خود را تهدید آمیز و نا امن ارزیابی می‌کنند و علاوه بر آن دارای این حس هستند که برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی نمی‌توانند اقدام مؤثری انجام دهند، تعادل روحی خود را از دست خواهند داد. به اعتقاد چلبی هر قدر در سطوح گوناگون شبکه روابط اجتماعی جامعه، روابط امداد رسانی در ابعاد گوناگون معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، مادی، عاطفی و منزلتی بیشتر باشد به همان نسبت میزان یأس اجتماعی و احساس عجز کاهش می‌یابد و احساس امنیت اجتماعی هم افزایش می‌یابد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۱).

بنابراین در این پژوهش تلاش شده تا علاوه بر بررسی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی، به بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای چون سن، وضع تأهل، مدت زمان طی شده از ازدواج، تعداد فرزندان، وضعیت تملک منزل، میزان درآمد، شغل و سطح تحصیلات نیز پرداخته شود تا در پایان در یابیم که آیا متغیرهای زمینه‌ای یاد شده هم، بر میزان احساس امنیت اجتماعی مادران کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر تأثیر دارند یا خیر؟

به طور کلی هیچ یک از پژوهش‌های تجربی پیشین، به طور خاص به نقش سرمایه اجتماعی در تقویت احساس امنیت اجتماعی پرداخته‌اند. با این حال به چند پژوهش که جداگانه به بررسی این دو پرداخته‌اند اشاره‌ای خواهیم داشت.

پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم (۱۳۸۳) توسط محمد مبارکی در دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است. متغیر مستقل این پژوهش یعنی سرمایه اجتماعی با معرف‌هایی همچون مشارکت اجتماعی، علاقه فراوان به جامعه، اعتماد اجتماعی، روابط همسایگی، روابط خانوادگی، دوستان، خود باوری، گرایش نسبت به دیگران و کمک یا ایثار نسبت به غریبه‌ها مورد سنجش قرار گرفته است. در مجموع بین سرمایه اجتماعی و جرائم غیر مختوم به زندان، رابطه منفی، نسبتاً متوسط و معناداری دیده شده است. همچنین پژوهشگر با استفاده از تحلیل ثانویه پژوهشی در سطح کلان در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و جرم انجام داده که نتایج آن نشان داده‌اند که بین سرمایه اجتماعی و جرم رابطه منفی، نسبتاً قوی و معناداری وجود دارد.

پژوهشی نیز با عنوان بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر محلات قدیم و جدید شهر تهران) (۱۳۸۶) توسط سارا متین در دانشگاه الزهرا انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه منفی و معناداری بین میزان آسیب‌های اجتماعی و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند: هنجارهای همیاری مدنی،

نگرش مثبت به حوزه زندگی، روابط همسایگی و اعتماد مدنی وجود دارد و محلات قدیمی نسبت به محلات جدید از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند.

مهدی امیر کافی نیز (۱۳۸۲) به بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی پرداخته است. وی با استفاده از تئوری‌های پنجره شکسته^{۲۵} و نظریه تقویت ساختاری^{۲۶} و الگوی توسعه خطی^{۲۷} نظریه نظم اجتماعی به چهار متغیر اساسی در زمینه تبیین احساس امنیت دست یافت و بر مبنای آنها فرضیات خود را ارائه داد. نتیجه پژوهش نشان داد که به ترتیب متغیرهای حمایت اجتماعی، ریسک و مخاطره، بی‌نظمی اجتماعی و درک از بروز جرائم و بزهکاری به عنوان تعیین کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت محسوب می‌شوند.

پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در سطوح خرد و کلان (۱۳۸۸) توسط فرهاد باباخانی در دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است. یافته‌های توصیفی در سطح خرد، نشان از میزان پایین احساس امنیت در دو بُعد جانی (۴۵/۵۵) و مالی (۲۸/۹۴) دارند. مطابق نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره، دو عامل احساس آنومی و سرمایه اجتماعی، تأثیرگذارترین عوامل بر احساس امنیت مالی می‌باشند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که افرادی که به لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی در مرتبه بالاتری قرار دارند، از میزان احساس امنیت بیشتری نیز برخوردارند.

نتایج به دست آمده در سطح کلان نیز پایین بودن احساس امنیت در ایران را تایید کردند، (مطابق داده‌های موج پنجم پیمایش ارزشهای جهانیان) زیرا احساس امنیت در ایران ۲۰ (۱۰۰-۰) می‌باشد. همچنین مشخص شد در کشورهایی که از میزان بالایی از توسعه اقتصادی برخوردارند و میزان عام‌گرایی نیز در آنها بالاست شهروندان از احساس امنیت برخوردار خواهند بود.

فرضیه‌های تحقیق

الف - فرضیه‌های اصلی:

- بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی مادران کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر، رابطه وجود دارد.
- بین شبکه روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی مادران کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر، رابطه وجود دارد.
- بین همپاری و احساس امنیت اجتماعی مادران کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر، رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد و احساس امنیت اجتماعی مادران کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر، رابطه وجود دارد.

²⁵. Bloken Windows

²⁶. The Strutral Amplification

²⁷. The Liner Development Model

ب - فرضیه‌های فرعی:

از طرفی دیگر ما در این پژوهش متغیرهایی مانند: پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضع فعالیت مادر، تحصیلات، تعداد فرزندان و... را به عنوان متغیرهای زمینه‌ای در نظر گرفته‌ایم که ارتباط میان آنها را نیز با متغیرهای اصلی تحقیق مورد بررسی قرار خواهیم داد.

روش شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، روش پژوهش پیمایشی بوده و نوع پژوهش نیز کاربردی می‌باشد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد بررسی در این پژوهش، مادران کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر مدارس استثنایی شهرستان اسلامشهر است. در شهرستان اسلامشهر ۳ مدرسه ویژه کودکان کم توان ذهنی به نام‌های صالحین (ابتدایی، پسرانه)، صابرین (راهنمایی - دبیرستان، پسرانه) و محدثه (راهنمایی - دبیرستان، دخترانه) وجود دارد که در کل ۲۶۳ دانش آموز در این مدارس در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ مشغول به تحصیل بوده‌اند. بنابراین با توجه به کوچک بودن جامعه آماری، تصمیم بر این شد که از روش تمام شماری استفاده شود تا بدین وسیله کل جامعه آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

از آنجا که جامعه مورد بررسی در این پژوهش مادران کودکان کم توان ذهنی مدارس استثنایی شهرستان اسلامشهر بود با بررسی پرونده‌های دانش آموزان این ۳ مدرسه متوجه شدیم که ۱۳ نفر از مادران این دانش آموزان فوت کرده‌اند، ۸ نفر طلاق گرفته‌اند و دور از دانش آموز زندگی می‌کنند، ۳ نفر دچار معلولیت ذهنی هستند و ۵ نفر هم دارای دو فرزند کم توان ذهنی شاغل به تحصیل در این مدارس هستند. به عبارتی ۲۹ نفر از مادران کودکان کم توان ذهنی از لیست اولیه ما حذف شدند. با توجه به این موارد، حجم نمونه تحقیق ۲۳۴ نفر شد. از این ۲۳۴ نفر هم ۱۶ نفر از مادران به دلایل گوناگونی چون بیماری، مسافرت و... جهت تکمیل پرسشنامه به مدرسه مراجعه نکردند و در مجموع ۲۱۸ نفر از مادران مورد مصاحبه قرار گرفتند که به عنوان نمونه پژوهش مورد بررسی واقع شدند.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه، همراه با مصاحبه است که در آن برای سنجش متغیرهای مربوطه از سؤال‌های بسته و تعدادی نیز سؤال باز استفاده گردید.

تعیین اعتبار^{۲۸} و پایایی^{۲۹}

²⁸ . Validity

²⁹ . Reliability

برای تعیین اعتبار و پایایی گویه‌ها در این پژوهش پس از این که جمعیت نمونه ما تعیین شد پرسشنامه اولیه‌ای طراحی و سپس توسط ۳۰ نفر از پاسخگویان تکمیل شد. نتایج به دست آمده در جدول ۱ نشان می‌دهد که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرها در حد قابل قبولی بوده است.

جدول ۱- آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

| ردیف | شاخص‌ها | ضریب آلفا |
|------|-------------------------|---|
| ۱ | فراوانی روابط |  |
| ۲ | صمیمیت روابط |  |
| ۳ | دریافت حمایت اجتماعی |  |
| ۴ | ارائه حمایت‌های اجتماعی |  |
| ۵ | فعالیت گروهی |  |
| ۶ | اعتماد شخصی |  |
| ۷ | اعتماد بنیادی |  |
| ۸ | اعتماد تعمیم یافته |  |
| ۹ | همیاری متوازن |  |
| ۱۰ | همیاری تعمیم یافته |  |
| ۱۱ | امنیت مالی |  |
| ۱۲ | امنیت جانی |  |
| ۱۳ | امنیت گروهی |  |
| ۱۴ | امنیت فکری |  |

یافته‌های پژوهش

در این بخش، تفسیر نتایج بدست آمده از روابط معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بنابر آماره پیرسون نشان داده شده است.

➤ فرضیه اول: بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰.۰۰۰ و ۹۹ درصد اطمینان (و مقدار ۰.۳۷) رابطه معنادار مثبت و متوسطی بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد و فرض وجود رابطه، میان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی پذیرفته می‌شود؛ یعنی هر چه سرمایه اجتماعی فرد افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد.

➤ فرضیه دوم: بین شبکه روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰.۰۰۰ و ۹۹ درصد اطمینان (و مقدار ۰.۳۱) رابطه معنادار مثبت

و متوسطی بین شبکه روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد و فرض وجود رابطه، میان شبکه روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی پذیرفته می‌شود؛ یعنی هر چه شبکه روابط اجتماعی فرد افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد زیرا شبکه‌های اجتماعی فرد، در موقعیت‌های گوناگون حمایت‌هایی از فرد می‌کنند که به فرد احساس امنیت اجتماعی می‌دهند.

➤ **فرضیه سوم: بین همیاری و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.**

با توجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰.۰۰۰ و ۹۹ درصد اطمینان (و مقدار ۰.۴۰) رابطه معنادار مثبت و قوی بین همیاری و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد و فرض وجود رابطه، میان همیاری و احساس امنیت اجتماعی پذیرفته می‌شود.

فرضیه چهارم: بین اعتماد و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به آماره پیرسون با سطح معناداری ۰.۰۰۰ و ۹۹ درصد اطمینان (و مقدار ۰.۳۲) رابطه معنادار مثبت و متوسطی بین اعتماد و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد و فرض وجود رابطه، میان اعتماد و احساس امنیت اجتماعی پذیرفته می‌شود.

جدول ۲- خلاصه نتایج بررسی رابطه دو متغیره بین ابعاد سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی





| متغیر مستقل | متغیر وابسته | نوع آزمون | شدت همبستگی | سطح معناداری | درصد اطمینان | نوع رابطه |
|--------------------|---------------------|-----------|-------------|--------------|--------------|--------------|
| سرمایه اجتماعی | احساس امنیت اجتماعی | R پیرسون | | | | مثبت و متوسط |
| اعتماد | # | R پیرسون | | | # | مثبت و متوسط |
| اعتماد شخصی | # | R پیرسون | | | # | مثبت و متوسط |
| اعتماد بنیادی | # | R پیرسون | | | # | مثبت و متوسط |
| اعتماد تعمیم یافته | # | R پیرسون | | | # | مثبت و ضعیف |
| همیاری | # | R پیرسون | | | # | مثبت و متوسط |
| همیاری متوازن | # | R پیرسون | | | # | مثبت و متوسط |
| همیاری | # | R پیرسون | | | # | مثبت |

| | | | | | | |
|--------------|---|--|--|--------------|---|--------------------|
| ومتوسط | | | | ن | | تعمیم یافته |
| مثبت و متوسط | # | | | R پیرسو ن | # | شبکه روابط اجتماعی |
| مثبت و متوسط | # | | | R پیرسو ن | # | شبکه رسمی |
| مثبت وضعیف | # | | | R پیرسو ن | # | شبکه غیر رسمی |

➤ فرضیه‌های فرعی پژوهش

جدول ۳- خلاصه نتایج بررسی روابط میان متغیرهای زمینه‌ای و احساس امنیت اجتماعی

| نوع رابطه | سطح معناداری | همبستگی شدت | نوع آزمون | متغیر وابسته | متغیرهای زمینه‌ای |
|-----------|--------------|-------------|-----------|---------------------|-------------------|
| معنادار | | | F | احساس امنیت اجتماعی | تحصیلات همسران |
| معنادار | | | F | # | تحصیلات پاسخگویان |
| ----- | | | T | # | وضع فعالیت همسران |
| معنادار | | | F | # | نوع شغل همسران |
| ----- | | | F | # | وضعیت همسررداری |
| ----- | | | T | # | نوع مالکیت مسکن |

| | | | | | |
|-------|---|---|---|---|------------------|
| ----- |  |  | T | # | سابقه معلولیت |
| ----- |  |  | T | # | جنسیت فرزند |

همان طور که از نتایج فرضیه‌های فرعی مشخص است تنها مؤلفه‌های میزان تحصیلات همسران و میزان تحصیلات خود پاسخگویان و همچنین نوع شغل همسران پاسخگویان در بالا رفتن احساس امنیت اجتماعی آنان تأثیرگذار بوده است. در واقع این سه مورد از عواملی هستند که دستیابی افراد به سرمایه‌های اجتماعی را افزایش می‌دهند. تحصیلات و نوع شغل عاملی در بدست آوردن منابع مالی و همچنین عاملی در جهت ساختن شبکه‌های اجتماعی و همچنین نحوه تعامل برقرار کردن با اطرافیان می‌باشند که در نتیجه سرمایه اجتماعی و به تبع آن "احساس امنیت اجتماعی" بالاتر را به همراه خواهند داشت.

نتایج بدست آمده براساس آزمون همبستگی چندگانه (تحلیل رگرسیون)

یافته‌ها نشان می‌دهند که تقریباً ۳۸ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی را متغیرهای وارد شده به معادله توضیح می‌دهند و بقیه تغییرات به متغیرهایی مربوط می‌شوند که در نظر گرفته نشده‌اند. مقدار F به دست آمده در سطح هزارم کاملاً معنادار است، این مطلب گویای آن است که دست کم یکی از متغیرهای مستقل در پیش بینی متغیر وابسته مؤثر است.

یافته‌ها نشان می‌دهند که با توجه به سطح معناداری، از مجموع ۲۱ متغیر وارد شده، ۴ متغیر اعتماد بنیادی، مدت زمان ازدواج، مقطع تحصیلی کودک و تعداد فرزندان، وارد معادله رگرسیونی با متغیر وابسته می‌شوند. قرار نگرفتن سایر متغیرها در معادله رگرسیون و معنادار نبودن آن‌ها به این دلیل است که با ثابت نگه داشتن سایر متغیرها، یک رابطه خطی بین تک تک متغیرهای مورد مشاهده با متغیر وابسته وجود دارد، ولی پس از وارد کردن متغیرها، اثرات آن‌ها از بین می‌رود و آزمون t معنادار نمی‌گردد.

معادله خطی رگرسیون

$$\text{احساس امنیت اجتماعی} = (\text{اعتماد بنیادی} \times ۰.۳۰) + (\text{مدت زمان ازدواج} \times ۰.۲۴) + (\text{تعداد فرزندان} \times ۰.۲۲) - ۰.۲۷$$

+ (مقطع تحصیلی کودک استثنایی $\times ۰.۲۷$)

نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که در تبیین احساس امنیت اجتماعی، اعتماد بنیادی بیشترین تأثیر را دارد.

نتایج بدست آمده براساس آزمون همبستگی چندگانه (تحلیل مسیر)

در این مرحله با توجه به نتایج رگرسیون، متغیرهایی که با متغیر وابسته، یعنی احساس امنیت اجتماعی معنادار بوده‌اند را در معادله رگرسیونی دیگری قرار می‌دهیم. با توجه به تحلیل همبستگی چند متغیره با احساس امنیت اجتماعی به این نتیجه رسیدیم که متغیرهای اعتمادبنیادی، مقطع تحصیلی کودک، مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان با احساس امنیت اجتماعی رابطه دارند. از بین این متغیرها، اعتماد بنیادی دارای بیشترین بتا بود، بنابراین به عنوان متغیر وابسته بعدی در نظر گرفته شد و سایر متغیرها را با آن در ارتباط قرار دادیم.

جدول ۴- ضرایب متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون

| سطح معناداری | آزمون T | ضرایب استاندارد | ضرایب غیر استاندارد | | متغیرهای وارد شده |
|--------------|---------------------|----------------------|---------------------|----------------------|-------------------|
| | | BETA | انحراف معیار | B | |
| | | | | | مقدار ثابت |
| | | | | | مقطع تحصیلی فرزند |
| | | | | | تعداد فرزند |
| | | | | | سال‌های ازدواج |
| سطح معناداری | انحراف معیار برآورد | ضریب تعیین تعدیل شده | ضریب تعیین | ضریب همبستگی چندگانه | نتایج همبستگی |
| ۰.۰۰۰ | | | | | |

با توجه به یافته‌های پژوهش، از بین متغیرهای وارد شده، متغیر سال‌های ازدواج و مقطع تحصیلی دارای رابطه معنادار می‌باشند و با توجه به ضرایب بتا، متغیر مقطع تحصیلی کودک به علت دارا بودن بیشترین بتا، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود.

متغیر مقطع تحصیلی کودک دارای بیشترین اثرکلی می‌باشد و در تبیین واریانس احساس امنیت اجتماعی دارای بیشترین قدرت می‌باشد، اما رابطه آن معکوس است و با احتیاط می‌توان گفت با افزایش مقطع تحصیلی کودکان، میزان احساس امنیت اجتماعی مادران کاهش می‌یابد. به عبارتی می‌توان گفت که با افزایش مقطع تحصیلی کودک، سن او افزایش می‌یابد و دغدغه‌های مادر به سبب مبهم بودن آینده شغلی و زندگی و ازدواج و... فرزندش بیشتر می‌شود و این خود دلیل کم شدن احساس امنیت اجتماعی او می‌شود. بعد از آن متغیر اعتماد بنیادی دارای

بیشترین اثر تبیین‌کنندگی بوده و دارای رابطه افزایشی با متغیر احساس امنیت اجتماعی می‌باشد، یعنی با افزایش اعتماد بنیادی، میزان احساس امنیت اجتماعی مادران افزایش یافته و با کاهش اعتماد بنیادی، میزان احساس امنیت اجتماعی آنان کاهش می‌یابد. متغیر مدت زمان ازدواج دارای اثر افزایشی با متغیر احساس امنیت اجتماعی می‌باشد. همچنین متغیر تعداد فرزندان دارای کمترین اثر کلی می‌باشد، یعنی نسبت به سایر متغیرها دارای قدرت تبیین‌کنندگی کمتری است در ضمن رابطه متغیر تعداد فرزندان با احساس امنیت اجتماعی معکوس می‌باشد.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد، متغیر مستقل این پژوهش سرمایه اجتماعی است. این متغیر از ۳ بُعد اصلی اعتماد، همیاری و شبکه روابط اجتماعی ساخته شده است. بُعد اعتماد که خود از شاخص‌های اعتماد شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد تعمیم یافته تشکیل یافته، در جامعه مورد بررسی در سطح پایینی قرار داشته است. (اعتماد شخصی پایین، اعتماد بنیادی بسیار پایین و اعتماد تعمیم یافته متوسط رو به بالا). لازم به یادآوری است که بیشتر پاسخگویان بیشتر به اعضای خانواده و همسران خود اعتماد دارند و همچنین به کارکنان مدرسه نیز بیشترین اعتماد را دارند که نکته جالب توجه این است که بیشترین اعتماد به افراد خارج شبکه شان مربوط به مددکاران اجتماعی مدرسه فرزندشان می‌باشد.

بُعد همیاری نیز از شاخص‌های همیاری متوازن و همیاری تعمیم یافته تشکیل شده است. اعضای جامعه مورد بررسی همیاری متوازن بالایی داشتند که بیشترین آن را نسبت به اعضای خانواده خود و دوستانشان اعمال می‌کنند. ولی اعضای جامعه مورد بررسی همیاری تعمیم یافته بسیار پایینی دارند در مجموع بُعد سطح همیاری در میان پاسخگویان پایین بوده است.

بُعد شبکه روابط اجتماعی نیز از دو مؤلفه شبکه غیر رسمی و شبکه رسمی تشکیل شده است. شبکه روابط غیر رسمی از شاخص‌های اندازه شبکه، فراوانی تماس، صمیمیت روابط و حمایت‌های اجتماعی متقابل شکل یافته است. بیشترین اندازه شبکه پاسخگویان مربوط به اعضای خانواده و کمترین با همسایگان، بالاترین میزان صمیمیت با اعضای خانواده و همسران و کمترین با خویشاوندان دورشان بوده است. در رابطه با حمایت‌های متقابل بیشتر پاسخگویان از اعضای خانواده، همسران و دوستان خود حمایت دریافت و همچنین ارائه حمایت می‌کنند. در مجموع پاسخگویان حمایت اجتماعی پایینی دریافت و هم حمایت اجتماعی پایینی ارائه می‌نمایند.

بُعد شبکه روابط اجتماعی رسمی نیز از دو شاخص فعالیت‌های انجمنی و فعالیت‌های گروهی تشکیل شده که شاخص فعالیت انجمنی به دلیل فراوانی بسیار پایین حذف شد. قابل یادآوری است که ۹۷.۷ درصد پاسخگویان عضو هیچ انجمنی نبودند و ۲.۳ درصد باقیمانده هم تنها در انجمن اولیاء و مربیان مدرسه عضویت داشتند. اعضای جامعه مورد بررسی از سطح فعالیت گروهی بسیار پایینی برخوردار بودند که بیشتر این فعالیت‌های گروهی، شرکت در مجالس مذهبی و انتخابات و کمترین آن هم مربوط به شرکت در همایش‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی بوده است. در مجموع اعضای جامعه مورد بررسی از سطح پایینی از شبکه روابط اجتماعی برخوردار بودند.

متغیر وابسته این پژوهش احساس امنیت اجتماعی است. یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان داد که احساس امنیت اجتماعی در جامعه مورد بررسی در سطح پایینی قرار دارد. اعضای جامعه مورد بررسی از سطح امنیت مالی، امنیت جانی و امنیت فکری پایینی برخوردارند، اما سطح امنیت گروهی جامعه مورد بررسی نسبت به سایر شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی بالاتر است.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند میان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، یعنی هر چه سرمایه اجتماعی فرد افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد. همان‌گونه که در مباحث نظری نیز بیان شد اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان، همکاران و همسایگان دارایی بسیار مهمی را تشکیل می‌دهند که یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی آن‌ها را به کار گیرد. یعنی هر چه فرد ارتباط بهتری با اطرافیان خود داشته باشد و دیگران و جامعه‌اش را حامی خود بدانند در مواقعی که جان، مال و سلامتی‌اش به خطر می‌افتد، بهتر می‌تواند مقابله کند تا بحران را پشت سر بگذارد. افرادی که محیط پیرامون خود را تهدید آمیز ارزیابی می‌کنند و علاوه بر آن دارای این احساس هستند که برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی نمی‌توانند اقدام مؤثری انجام دهند، احساس امنیت اجتماعی نمی‌کنند.

همچنین نتایج نشان داد که رابطه معنادار مثبت و متوسطی بین شبکه روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی وجود دارد و فرض وجود رابطه، میان شبکه روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی پذیرفته می‌شود، یعنی هر چه شبکه روابط اجتماعی فرد افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد.

همان‌گونه که در مباحث نظری نیز بیان شد اگر سطح روابط اجتماعی افراد افزایش یابد احساس امنیت اجتماعی آنان نیز تقویت می‌گردد. به اعتقاد چلبی، هر قدر سطوح گوناگون، شبکه روابط اجتماعی جامعه افزایش یابد به همان میزان احساس عجز در مقابل مشکلات و بحران‌ها نیز کاهش می‌یابد و این خود سبب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۸۳، ۱۱).

از نظر پاتنام نیز شبکه هر فرد مبتنی بر پیوندها و روابط شکل می‌گیرد. پیوندهایی که هر فرد با اعضای شبکه خویش از جمله خویشان نزدیک و دور، دوستان، همکاران و همسایگان دارد باعث می‌شود تا او بتواند در زندگی روزمره به میزان قابل توجهی از حمایت‌های گوناگونی که اعضای شبکه برایش فراهم می‌کنند، استفاده کند به عبارتی اعضای شبکه فرد مهمترین منابع کمکی هستند که در صورت نیاز می‌تواند به آنها مراجعه کند. این شبکه روابط اجتماعی افراد هر چه بیشتر و قویتر باشند سبب می‌گردند که افراد در زندگی احساس امنیت اجتماعی بیشتری کنند.

همچنین مشخص شد که بین همیاری و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هر چه همیاری فرد با دیگران بیشتر باشد، احساس امنیت اجتماعی او نیز بیشتر می‌گردد. پاتنام هنجار همیاری را یکی از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند و معتقد است در جوامعی که از این هنجار پیروی می‌شود افراد به گونه‌ای مؤثرتر می‌توانند بر فرصت طلبی فائق آمده و مشکلات جمعی را حل نمایند (تاجبخش، ۱۳۸۴ : ۹۸).

در ادامه دیده شد که بین اعتماد و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همان‌گونه که در مباحث نظری داشتیم هر اندازه اعتماد فرد بیشتر باشد، راحت‌تر می‌تواند با اعضای شبکه‌اش و همچنین با سایر افراد جامعه ارتباط برقرار کند. بنابراین هر اندازه اعتماد فرد به گروه‌های پیرامون و جامعه بزرگتر، بیشتر باشد در مواقع

بحرانی زندگی، احساس امنیت بیشتری خواهد داشت چرا که امید دارد اعضای شبکه و دیگران به کمک او بشتابند و او را تنها نگذارند.

در این پژوهش تعدادی متغیر مانند: سن، وضعیت همسر داری، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و... را در ارتباط با متغیرهای اصلی پژوهش به کار بردیم. نتایج نشان دادند که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده پاسخگویان و تحصیلات پاسخگویان و همسرانشان و احساس امنیت اجتماعی آنها رابطه معنادار مثبت و قوی وجود دارد. همچنین دیده شد که بین تعداد فرزندان پاسخگویان و احساس امنیت اجتماعی آنها رابطه معنادار منفی و ضعیفی وجود دارد و فرض وجود رابطه، میان تعداد فرزندان و احساس امنیت اجتماعی پذیرفته می‌شود، زیرا با زیاد شدن تعداد فرزندان در خانواده نگرانی مادر از بابت توانایی کمتر در رسیدگی به فرزندان و از جمله کودک استثنایی، باعث کمتر شدن احساس امنیت اجتماعی این گونه مادران می‌گردد.

لازم به توضیح است که بین سن کودک کم توان ذهنی و احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان نیز رابطه معنادار منفی و ضعیفی وجود دارد. از این رابطه می‌توان دریافت که با افزایش سن کودک کم توان ذهنی، احساس امنیت اجتماعی مادر کاهش می‌یابد یا به عبارت دیگر استرس و نگرانی مادر از بابت کودک به لحاظ ارتباط بیشتر او با جامعه و نگرانی از آینده زندگی و شغلی فرزندش افزایش می‌یابد.

همچنین با استفاده از تحلیل رگرسیون مشخص گردید که تقریباً ۳۸ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی را متغیرهای وارد شده به معادله توضیح می‌دهند و بقیه تغییرات به متغیرهایی مربوط هستند که در نظر گرفته نشده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که با توجه به سطح معناداری از مجموع ۲۱ متغیر وارد شده، ۴ متغیر اعتماد بنیادی، مدت زمان ازدواج، مقطع تحصیلی کودک و تعداد فرزندان وارد معادله رگرسیونی با متغیر وابسته می‌شوند. با استفاده از تحلیل مسیر به این نتیجه رسیدیم که متغیرهای اعتماد بنیادی، مقطع تحصیلی کودک، مدت زمان ازدواج و تعداد فرزندان با احساس امنیت اجتماعی رابطه دارند. از بین این متغیرها، متغیر اعتماد بنیادی دارای بیشترین بتا بود، بنابراین به عنوان متغیر وابسته بعدی در نظر گرفته شد و سایر متغیرها را با آن در ارتباط قرار دادیم. متغیر مقطع تحصیلی کودک دارای بیشترین اثر کلی می‌باشد و در تبیین واریانس احساس امنیت اجتماعی دارای بیشترین قدرت است اما رابطه آن معکوس می‌باشد. و با احتیاط می‌توان گفت که با افزایش مقطع تحصیلی کودکان میزان احساس امنیت اجتماعی مادران کاهش می‌یابد. به عبارتی می‌توان گفت با افزایش مقطع تحصیلی کودک، سن او افزایش می‌یابد و دغدغه‌های مادر به سبب مبهم بودن آینده شغلی و زندگی و ازدواج و... فرزندش بیشتر می‌شود و این خود دلیل کم شدن احساس امنیت اجتماعی مادر می‌شود. بعد از آن متغیر اعتماد بنیادی دارای بیشترین اثر تبیین کنندگی بوده و دارای رابطه افزایشی با متغیر احساس امنیت اجتماعی نیز می‌باشد، یعنی با افزایش اعتماد بنیادی، میزان احساس امنیت اجتماعی مادران افزایش یافته و با کاهش اعتماد بنیادی، میزان احساس امنیت اجتماعی مادران کاهش می‌یابد.

پیشنهادات

- برگزاری جلسات مشاوره، روان درمانی، خانواده درمانی و گروه درمانی و انجام حمایت‌های اجتماعی لازم از بدو تولد کودک معلول ذهنی در خانواده وی تا بدین وسیله از فشار اولیه بر روی خانواده کودک کاسته شود.
- با توجه به سطح پایین احساس امنیت مالی در جامعه مورد بررسی و همچنین مخارج بالای درمانی، دارویی و توانبخشی کودکان کم توان ذهنی پیشنهاد می‌گردد که مراکز پزشکی، توانبخشی و حمایتی، بیشتر از گذشته این خانواده‌ها را زیر پوشش بیمه قرار دهند.
- برگزاری دوره‌های آموزش خانواده توسط مشاورین و برگزاری جلسات مددکاری گروهی توسط مددکاران اجتماعی در مدارس به ویژه در زمینه‌های روش‌های مقابله با استرس، مهارت‌های حل مسأله، افزایش اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی و ...
- با توجه به درصد بالای اعتماد جامعه مورد بررسی به مددکاران اجتماعی، پیشنهاد می‌شود که در همه مدارس از مددکاران اجتماعی حرفه‌ای استفاده شود تا علاوه بر پیگیری و رفع مشکلات کودکان کم توان ذهنی و خانواده‌هایشان، زمینه‌های بالابردن سرمایه اجتماعی آنان را نیز از طریق تشکیل گروه‌های اجتماعی در مدرسه و همچنین فراهم نمودن زمینه‌های آشنایی مادران با تشکل‌های مدنی و ... فراهم کنند (لازم به یادآوری است که بیشتر مدارس استثنایی استان تهران به علت کمبود بودجه و نا آشنایی مسئولین رده بالای آموزش و پرورش با حرفه و نقش مددکار در کاهش مشکلات و آسیب‌های اجتماعی کودکان استثنایی و خانواده‌هایشان، از وجود مددکار محروم می‌باشند).
- همان گونه که نتایج نشان داد، سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار و مثبتی دارد و نظر به اینکه جامعه مورد بررسی از سطح سرمایه اجتماعی پایینی برخوردار می‌باشد، پیشنهاد می‌شود که با تقویت این بُعد، شرایطی فراهم شود که فرصت‌های مشارکت و حضور این زنان در جامعه بیشتر شود که همین حضور فعال آنان منجر به افزایش شبکه روابط اجتماعی و در نتیجه بالا رفتن سطح سرمایه اجتماعی آنان می‌شود که در نتیجه احساس امنیت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
- همان گونه که نتایج نشان می‌دهد مادران کودکان کم توان ذهنی با افزایش مقطع تحصیلی و سن فرزندانشان احساس عدم امنیت اجتماعی می‌کنند، بنابراین ضروری به نظر می‌رسد، با فعال کردن مراکز حرفه آموزی در مدارس استثنایی و فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال برای معلولان ذهنی از قبیل تأسیس تعاونی‌ها و کارگاه‌های کوچک در زمینه حرفه‌هایی که نیاز به هوش و مهارت زیادی ندارند، آینده روشنتری را برای این عزیزان فراهم نمود.
- متأسفانه بسیاری از مردم ما از الفاظ نامناسب برای افراد کم توان ذهنی استفاده می‌کنند و رفتار تحقیر کننده‌ای با این افراد و خانواده‌های آنان دارند که این خود سبب می‌شود تا خانواده‌های کودکان کم توان ذهنی روز به روز از مردم دیگر فاصله بگیرند. همان گونه که نتیجه پژوهش نشان داد مادران این کودکان بیشتر با اعضای خانواده خود و دوستان نزدیکشان رابطه دارند که این امر سبب پایین بودن سطح احساس امنیت اجتماعی آنان گردیده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که از طریق رسانه‌ها، جراید، ساختن فیلم‌های مستند و داستانی در مورد مشکلات و همچنین توانایی‌های افراد کم توان ذهنی و ... در جهت بالا بردن فرهنگ عمومی و تغییر نگرش مردم جامعه نسبت به معلولان ذهنی و خانواده‌های آنان تلاش شود.

منابع :

- امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۷)، بررسی احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره ۱.
- باباخانی، فرهاد. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در سطوح خرد و کلان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: تقی دلفروز، تهران: انتشارات وزارت کشور، چاپ اول.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویا، تهران: نشر شیرازه.
- توسلی، عباس؛ مرضیه موسوی خامنه. (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳)، *جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵)، *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشر نی.
- داورمنش، عباس؛ فرید براتی سده. (۱۳۸۵)، *مقدمه‌ای بر اصول توانبخشی معلولان*، تهران: نشر رشد.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۴)، *جامعه روستایی و نیازهای آن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریعتی، ناصر؛ عباس داورمنش. (۱۳۷۶)، *اثرات معلولیت ذهنی فرزند بر خانواده (خلاصه یک تحقیق)*، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول.
- کلاهیچیان، محمود. (۱۳۸۲)، *راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، شماره ۱، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی.
- کیمیایی، سید علی و همکاران. (۱۳۸۶)، *بررسی و مقایسه کارآمدی شناخت درمانی بک با شناخت درمانی تیزدل و تلفیق آن با یوگا در درمان افسردگی اساسی*، *مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی*، دانشگاه فردوسی مشهد.
- مبارکی، محمد. (۱۳۸۳)، *بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم*، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- معتمدین، مختار، و دیگران. (۱۳۸۳)، *تأثیر آموزش راهبردهای مقابله با باورهای غیرمنطقی (براساس رویکرد شناختی)*، بر این باورها و رضایت زناشویی زوج‌های مراجعه کننده به مرکز مشاوره خانواده بهزیستی اهواز، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران.

- نریمانی محمد؛ حمیدرضا آقا محمدیان؛ سوران رجبی. (۱۳۸۶)، مقایسه سلامت روانی مادران کودکان استثنایی با سلامت روانی مادران کودکان عادی، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال نهم، شماره ۳۴-۳۳، بهار و تابستان.

- Caplan ,Pat (2000). "**Anthropological Perspective on Risk**". key note lecture for 10th anniversary conference on Risk, knowledge, trust,medical anthropology unit,university of oslo.
- Clements, Kevin (1990). "**Toward Sociology of Secuity**" Department of Sociology University of Canterbury Chrischurch New zealand.
- Coleman, Jamess, (1988). "Social capital in the creation of human capital", **American journal of sociology** ,94 (supplement).
- Fukuyama, F (1999). "**The Great Disruption,Human Nature and the Reconstitution of social order**", New york:simon and schuste.
- Giddens, Anthony (1999). "**Risk and Responsibility**" : The Modern Low Review,vol.62,no.1.
- Inglehart, Ronald and Paul R.Abramson (1994). "**Economic Security and Value Change**",American Political review.vol.88n.2.
- Turner, Janatan H, (2000). "**The Formation of Social Capital**". The International Bank for Reconstruction and Development 2000,The World Band,Washington ,us.
- Kirkham, A. A (1993). Two-year follow-up of skills training with mother of children with disabilities. **American journal of mental retardation**, 97(5).
- Lupton , Deborah, (1999). **Risk and socio-cultural theory: new direction and perspectives**, Cambridge university press.
- Levi, Margaret, (1996). "**Social and unsocial capital:A Review Essay of Robert Putnams Making Democracy Work**", Polititics and Society , 24.
- Pantazis, Christian (2000). Fear of Crim Vulnerability and Poverty: **British Journal of Criminology**.